فینه

ط، ا

فینه کلاهی است قرمز رنگ که از پشم مالیده(نمد)یا کرک ماهوتی ساخته میشود. استعمال این کلاه از قرن نوزدهم در کشورهای خاورمیانه بخصوص نزد ترکها و اعراب شام. و لبنان و همچنین در مصر معمول بوده.هرچند فینه اکنون در مصر و شام کمتر بکار میرود اما هنوز عده زیادی از اعراب بر آن عادت دارند و آن را"طربوش‏"می‏نامند که از کلمهء "سرپوش‏"فارسی ریشه گرفته است.سابق بر این بیشتر مردم یونان و آلبانی فینه ترکه‏دار و بی‏قالب و کوتاه بشکل شب کلاه بسر می‏گذاشتند.این کلاه برای زیبائی با یک منگوله‏ ابریشمی مشکی که از بالا بطرف پشت سر آویزان است آرایش میشود.

استعمال فینه در ترکیه در زمان حکومت عثمانی شیوع داشت و سلطان محمد دوم خلیفه‏ عثمانی در سال 1832 سعی کرد آن را همچون شعار رسمی و کلاه متحد الشکل ملی بنماید. تا آنزمان وضع اجتماعی طربوش را رمز یکنواخت ملی بسازد.تا آنزمان در شکل فینه بتدریج‏ تغییراتی روی داده و طبقه جوان و اعیان فینه‏های قالب زده بشکل استوانه‏ای،به رنگهای‏ قرمز روشن و تیره و به بلندی 15 و 30 تا 35 سانتیمتر بسر می‏گذاشتند.از همان زمان استعمال‏ فینه در کشورهای عربی که زیر نفوذ عثمانی بودند بخصوص در مصر و شام شیوع یافت و هنوز هم کم‏وبیش در میان مردم معمول است.

در ترکیه پس از اعلام جمهوریت در نیم قرن گذشته مصطفی کمال آتاتورک فرمان رفع‏ حجاب و استعمال شاپو را بجای فینه صادر نمود.اما این رسم در کشورهای عربی خاورمیانه‏ و در مصر همچنان برقرار بود و آن را کلاه ملی می‏دانستند و کارمندان دولت و طبقات مختلف‏ مردم در محافل و مراسم عمومی و رسمی آن را بسر می‏گذاشتند و این سرپوش بقدری اهمیت‏ داشت که مردم اشخاص سر برهنه و بدون فینه را مسخره و سرزنش می‏کردند.پس از جنگ‏ جهانی اول که نفوذ اعراب در خاورمیانه توسعه یافت این سرپوش همچون رمزی از مبارزه‏ آرام با غربی‏ها و یک شعار ملی شناخته می‏شد و ترک آن را بخصوص در محافل سیاسی و رسمی‏ یک قسم جرم و اهانت ملی می‏پنداشتند برای نمونه اینک پیش آمدی که در یکی از مجالس رسمی‏ در ترکیه روی داد ذکر میشود:

در یکی از میهمانی‏های رسمی در استانبول که آتاتورک نیز حضور داشت سفیر وقت‏ مصر با لباس رسمی و طربوش حاضر شده بود.آتاتورک بمحض برخورد با سفیر مصر از مشاهدهء فینه عصبانی شده شخصا"پیش رفته فینه را از سر او برداشته دستور داد آن را بیرون ببرند. سفیر مصر از این رفتار رئیس جمهور بسیار ناراحت گردید و مجلس را بی‏درنگ ترک گفت.

روز بعد پیام سرد و اعتراض‏آمیزی از قاهره به استانبول رسید که در آن تهدید شده‏ بود چنانچه طربوش برگشت داده نشود روابط سیاسی میان دو کشور قطع خواهد گردید.این‏ بود که آتاتورک شخصا نامه‏ای مبنی بر عذرخواهی همراه با طربوش بوسیلهء مأمورین مخصوص‏ بقاهره فرستاد.

در قاهره و بیروت تا چند سال پیش صدها محل برای تنظیف و قالب کردن طربوش‏ وجود داشت و سالیانه مقادیر زیادی فینه ساخت اروپا بخصوص چکسلواکی به کشورهای خاورمیانه‏ و شمال افریقا وارد و مصرف می‏شد.اما اکنون این تجارت و صنف طربوش ساز و طربوش قالب‏ کن تقریبا از میان رفته است و مردم بیشتر بدون کلاه و روستائیان با پارچهء سفیدی که‏ بشکل عمامه دور سر می‏پیچند،بسر می‏برند.

بخاطر دارم در زمان ملک فواد پادشاه اسبق مصر برای مبارزه با تجارت طربوش ساخت‏ خارج بخصوص چکسلواکی که از بهترین نوع ماهوت بود جمعی بر آن شدند یک کارخانه‏ طربوش‏سازی با سرمایهء ملی به مصر وارد کنند تا از استعمال کالای خارجی بی‏نیاز گردند. برای انجام این منظور انجمن مزبور طرحی بنام«مشروع القرش»تهیه نموده که مورد تائید دولت و تمام طبقات مردم واقع گردید و همگی از آن استقبال نمودند.برای اجرای این‏ طرح روز معین بنام روز قروش(واحد پول مصری)تعیین گردید و مدال‏های کاغذی الوان‏ که بر آن شکل طربوش نقش بود و هرکدام یک قروش(یک صدم لیره)ارزش داشت تهیه و در دسترس مأموران دولتی و دختران و پسران دانش‏آموز و دانش‏جو گذاشته شد و از جانب‏ دولت دستور داده شد کلیهء وسائل نقلیه دولتی از راه‏آهن و غیره در سراسر کشور بطور رایگان‏ در اختیار آنان قرار گیرد تا با هرکس برخورد کردند با دریافت یک قروش یک مدال بر سینه‏اش نصب کنند.در آن روز در حدود 15 هزار لیره بدین قسم جمع‏آوری شد و مرحوم‏ ملک فواد شخصا در حدود 15 هزار لیره اعطاء نمود.سپس یک کارخانه طربوش‏سازی از خارج خریداری و در مصر بکار افتاد و مردم با استعمال طربوش وطنی از استعمال کالای خارجی‏ بی‏نیاز گردیدند.

استعمال این کلاه مخصوص در مصر تا هنگام تغییر رژیم همچنان دنبال می‏شد و پس‏ از آن تدریجا متروک شد و اکنون به وضع کلاه پهلوی سابق ایران درآمده است.در عین‏ حال در سوریه و بعضی از کشورهای شمال افریقا مانند لیبی و مراکش و الجزایر و تونس کم‏ و بیش معمول است.

در بیروت زمانی تنها 400 مغازه طربوش‏سازی وجود داشت و شرکت‏"میشل جاک‏" سالیانه در حدود 000 ر 60 طربوش مصرف می‏کرد.ولی اکنون شرکت مزبور در آستانهء ورشکستگی می‏باشد و بجز بازار محدودی در شمال آفریقا محل دیگری برای مصرف این کالا ندارد.